

در مجله تصویری علوم انسانی زاویه بررسی شد

### **نگارش به «زبان جهانی» علم**

**دکتر فاضلی:** کل گفتمان علم‌سنجی زیر سوال است/ فاجعه است که رئیس دانشگاه حرمتش بیشتر از استاد دانشگاه باشد  
**دکتر آیت‌اللهی:** اگر از این طرف ایرادهای فرمالیزم را می‌گیریم از آن طرف در آنارشیسم نیفتیم

آموزش عالی ایران در سال‌های اخیر بسیار کوشیده است در یک سازماندهی میزان مقالات منتشرشده در نشریات علمی جهان را از نظر کمی توسعه دهد. این موضوع حتی در قالب بازنویسی آیین‌نامه ارتقای اساتید هم بروز و ظهور یافت. همین وضعیت بارها از سوی استادان و سیاستگذاران علم به گفت‌وگوهای مناقشه‌برانگیزی کشیده شده و همچنان مناقشه بین این دو گروه پابرجاست.

در همین رابطه مجله تصویری علوم انسانی زاویه نشستی را با حضور دکتر نعمت‌الله فاضلی (دانشیار پژوهشکده مطالعات اجتماعی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی) و دکتر حمیدرضا آیت‌اللهی (استاد بازنشسته گروه فلسفه دانشگاه علامه طباطبایی) با عنوان «پرسش از نگارش به زبان جهانی علم» برگزار کرد. متن تلخیص‌شده این گفت‌وگو از منظران می‌گذرد

اساساً «فرم واحد جهانی در حوزه علوم انسانی» چه معنایی دارد و چه ضرورت و مطلوبیتی می‌تواند داشته باشد؟

**فاضلی:** بحث مقاله‌نویسی ابعاد گسترده و پیچیده‌ای -هم به لحاظ سیاستگذاری و هم به لحاظ معرفت‌شناختی- دارد. نکته‌ای که شما بحث کردید، جنبه معرفت‌شناختی دارد. این بحثی است که توماس کوهن در کتاب «ساختار انقلاب‌های علمی» مطرح می‌کند. آنجا هم یک استدلال فلسفی و معرفت‌شناختی می‌کند و می‌گوید در ریاضیات و علوم طبیعی زبان دانش زبان انتزاعی، فشرده و به لحاظ نمادین محدود است -یعنی می‌توانید با یک فرمول ریاضی بحث گسترده‌ای را توضیح دهید- و در حوزه

علوم انسانی و اجتماعی چون علوم، مفهومی هستند و به لحاظ زبانی نیاز به شرح و بسط‌های وسیع دارد، به همین دلیل رسانه اصلی که main stream علم را تشکیل می‌دهد در ریاضیات، منطق، علوم طبیعی، فیزیک، شیمی و... مقاله است؛ اما در علوم اجتماعی، انسانی و فلسفه، رسانه اصلی کتاب monograph [یا تکنگاری] است ولی کوهن نمی‌گوید [که در این حوزه‌ها] مقاله جایگاه ندارد بلکه منظور از این باید، باید معرفت‌شناختی است. به لحاظ تاریخی مقاله بوده است و یکی از ژانرهای مدرن علم هم هست و خیلی هم توسعه پیدا کرده ولی رسانه اصلی علوم انسانی و علوم اجتماعی نیست.

نکته دوم این است که از سال‌های ۱۳۸۰ به بعد این «مقاله‌نویسی» در ایران تبدیل به «policy» اصلی «سازماندهی علم در تمام رشته‌های علوم انسانی در ایران» شد و چالش‌ها و مشکلاتی ایجاد کرد. با توجه به آن مشکلات، معتقدم این سیاست، سیاست درستی نبود، به خصوص آنجایی که تمایزها و تفاوت‌های بین [علوم طبیعی و ریاضی با] علوم انسانی و علوم اجتماعی نادیده گرفته شد. نکته دیگر [این است که] اگر وزارت علوم می‌خواهد یک سیاست علم داشته باشد که براساس آن توسعه علمی اتفاق بیفتد، اشکالی ندارد که بخواهد در قسمتی از این توسعه علمی از فرم «مقاله‌نویسی» حمایت کند؛ اما تقلیل دادن مفهوم توسعه علمی به شاخص‌های آماری و بعد تقلیل آن به آرتیکل‌های ایندکس شده در موسسات بین‌المللی مثل ISI، از گفتمان علم‌سنجی بیرون آمده است. این گفتمان امروزه [دیگر] آن جایگاه [سابق] را ندارد ولی دو دهه پیش این گفتمان آمد و عده‌ای که دانش‌آموخته علم‌سنجی بودند به وزارت علوم آمدند و [طبق] این [تلقی از علم و رشد علمی، کار] را همین‌طور جلو می‌برند. کل علم‌سنجی برای توضیح وضعیت و کیفیت علوم انسانی، گفتمان ناکارآمدی است؛ نه فقط در مورد شاخص‌های [مربوط به] مقاله [نویسی]، بلکه سایر ابعاد علم‌سنجی [هم] قابلیت و ظرفیت این را ندارد [که] وضعیت و کیفیت پیشرفت علم را در علوم انسانی و علوم اجتماعی در ایران و هرجای دیگر دنیا توضیح دهد. بنابراین کل آن گفتمان زیرسوال است [و مساله فقط مقاله‌نویسی در ایران نیست]. نکته آخر اینکه از نظر من یک سوءتفاهم بزرگ در وزارت علوم و در سیاست علمی شکل گرفت و آن این است که علوم انسانی را به کالا تقلیل دادیم و خواستیم از طریق کالایی‌کردن علوم انسانی، وضعیت علوم انسانی را بسنجیم. اولاً وضعیت علوم را نمی‌سنجند، وضعیت علوم را می‌شود تحلیل و تفسیر کرد و توضیح داد. ولی اگر خواستید آن را بسنجید در واقع شما علم را سرکوب و تحقیر کرده‌اید و خلاقیت را از جایگاه خود بیرون آوردید. دوم

اینکه با کالایی و کمی کردن علوم انسانی عملاً در آن علوم خلاقیت‌کشی کرده‌ایم. علاوه بر این اساس این تصور که علوم انسانی را براساس پژوهش بسنجیم هم از خطاهای بزرگ ۲۰ سال اخیر بود. در همه‌جای دنیا، رسالت اصلی علوم انسانی پژوهش نیست. سیطره گفتمان پژوهش در علوم انسانی، از فجایع بود. علوم انسانی کارکرد دارد. این کارکردها عمدتاً به رشد و بالندگی انسان در جامعه مربوط می‌شوند. سیطره پژوهش علوم انسانی را از مسیر خودش که صورت گرفتن گفت‌وگو در جامعه و رشد آدم‌ها و تربیت شهروند بود [خارج کرد]. وظیفه اصلی دانشگاه پژوهش نیست بلکه دانشگاه، پژوهش «هم» انجام می‌دهد.

آقای دکتر آیت‌اللهی اشاره‌ای کنید که این فرم واحد برای علم چه معنا و ضرورتی دارد.

**آیت‌اللهی:** موضوع مقاله و تولید علم و نحوه تولید علم، در جامعه ما بین دو قطب می‌گردد. یک قطب فرمالیزم است یعنی بتوانید به صورت فرمالیستی بگویید که آیا علم داریم یا نداریم. فرمالیزم [یعنی اصالت دادن به فرم‌هایی جهت] «ارتقا» و «امتیاز». این قالب‌ها معمولاً دچار مشکلاتی هم هست. هیچ‌وقت شما یک قالب ثابتی که بتواند این کار [سنجش علم] را بکند نخواهید داشت. کسانی آمدند این را مورد نقد قرار دادند اما متأسفانه مشکلی که بیشتر از همه [در کار] است این است که عده‌ای [در احتراز از فرمالیزم] از آن سمت [بام، یعنی] آنارشسیسم افتادند. ما مشکلی به نام آنارشسیسم علمی پیدا کرده‌ایم. می‌گویند علم باید «تکنوگاری» باشد. چرا باید [لزوما] این [فرم] درست باشد؟ می‌گویند چون فایده‌های بیشتری دارد. افراد دیگر می‌گویند یک راه دیگر وجود دارد که آن فایده‌های بیشتری دارد! در این‌گونه موارد خیلی‌ها ادعاهای زیادی برای علمی‌بودن حرف‌شان می‌کنند. من می‌گویم چیزی [را به‌عنوان ملاک] بگویید که بتوانم با آن ملاک [ارزیابی کنم که] آیا این [مدعیات] ارزش علمی دارد یا خیر. یکی از مسائل مهم علم، مقبولیت است. مقبولیت علم یعنی وقتی شما یک ایده را می‌پردازید این ایده تا وقتی خودش باشد نقشی ایفا نمی‌کند به محض اینکه در معرض تداول قرار گرفت و این طرف و آن طرف رفت، ارزش پیدا می‌کند. فرصتی که علمای دیگر هم ببینند [و] آن را متوجه قرار بدهند و هر فرد دیگری بتواند آن را ارزیابی کند و یک ارزیابی برای کار خود داشته باشیم. اگر بخواهیم چنین کاری را انجام دهیم، دوباره مجبور می‌شویم یک نوع فرمالیزم را بپذیریم. وقتی که مسئولیت پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی را پذیرفتم اولین کاری کردم این بود که

به همه اعضای هیات علمی گفتم در طول این ۲۵، ۳۰ سال، بگوئید چه کردید؟! برای برخی ۲۵ سال گذشته است اما یک کار علمی مشخص از آنها منتشر نمی‌شود ولی به عنوان هیات علمی شناخته می‌شوند! تحقیق کردیم و دیدیم یک طرح تحقیقاتی یکی دو ساله به ایشان داده و یک سال هم آن را تمدید کرده‌اند و الان ۱۰ سال است که هنوز جواب نداده و به ما می‌گویند که «نمی‌توان به جواب‌های علوم انسانی این‌گونه نگاه کرد!» متأسفانه این‌طور بود که هیچ‌کس دنبال هیچ‌کاری نمی‌رفت. حواس ما باید جمع باشد که اگر از این طرف ایرادهای فرمالیزم را می‌گیریم، از آن طرف در آنارشیسم نیفتیم. گاهی اوقات کتاب‌هایی درمی‌آید و مفصل هم هست ولی شما ۶۰۰ صفحه کتاب می‌خوانید پنج صفحه بیشتر مطلب ندارد. چه کسی می‌خواهد بگوید کدام کتاب ارزش دارد؟ اصطلاحاً باید [اثر علمی را] در معرض داوری کسانی قرار دهیم که قبلاً با این علم سروکار داشته‌اند؛ یعنی فضای علمی را می‌دانند، نوع کار را می‌بینند بعد می‌دانند که این کار آیا [مشمتمل بر] یک ایده جدید [یا] نکته عمیقی است؟ و یک تعامل بیشتر انسانی را به وجود آورده یا خیر؟ این یعنی یک‌سری افراد باید بیایند در مورد کار من قضاوت کنند و قضاوت کردن اینها همانی است که معمولاً در مقالات علمی-پژوهشی پیش می‌آید. مقاله را به دو نفر داور متخصص و صاحب‌نظر می‌دهند بدون اینکه این داور این افراد را بشناسد. ما از این وضع ناگزیریم. یکی از مشکلات مادر این مورد، «ملاک» است. خیلی‌ها مرتباً می‌گویند مقالات علمی-پژوهشی به‌درد نمی‌خورد [بلکه] باید دانشگاه‌مان پیشرفت کند و... به آنها می‌گویم مبنای پیشرفت را بفرمایید. مثلاً می‌گویند کارهایی که بتواند یک مشکل مملکت را حل کند. [پاسخ این است که] این مطلب در آیین‌نامه ارتقا آمده است ولی آیا همه‌چیز باید مشکلی از مشکلات جامعه را حل کند؟ چه کسی می‌خواهد تشخیص دهد که کاری مشکل جامعه را برطرف می‌کند [یا خیر]. اغلب افرادی که این موضوع را مطرح می‌کنند، جایگزین درست و حسابی [برای روش علم‌سنجی موجود] ندارند.

**فاضلی:** کسانی که در وزارت علوم و دانشگاه‌ها هستند [هم] تا حدودی از همین منطق صحبت می‌کنند. آقای دکتر گفتند برای اینکه آنارشیسم در علم نباشد باید یک معیاری برای اعتبار و روایی آن باشد. اولین نکته این است که معیار اعتبار روایی علم را فرم و قالب ارائه آن تعیین نمی‌کند؛ حال چه کتاب، مجله یا هر چیز دیگر باشد. فرم و اعتبار دانش را استدلال و روش تعیین می‌کند. گرچه با روش هم مشکل دارم ولی می‌پذیرم یکی از بحث‌ها، بحث روش است. ایشان به‌درستی به نکته‌ای اشاره کردند ولی به آن

وفادار نماندند. گفتند که اجتماع علمی باید تعیین کند چه چیزی علم است و چه چیزی علم نیست. علم و ناعلم را اجتماع علمی باید تعیین کند، من با این موافق هستم. اجتماع علمی به یک ایده اعتبار می‌دهد. فیلسوف و جامعه‌شناس سخنی می‌گوید، ادعایی طرح می‌کند، این ادعا پذیرفته، گفت‌وگو و بحث می‌شود... فرض کنید مثلاً در سیدجواد طباطبایی دیدگاهی راجع به ایران دارد و در مورد آن بحث و گفت‌وگو شده است. در رشته‌های مختلف هم کار ما همین است که ادعا کنیم و بعد این ادعا، اگر به در بازار علم خریدار پیدا کرد، [علمی محسوب] می‌شود ولی این خریدار که از طریق مقاله و کتاب و سازوکاری که آقای دکتر فرمودند نیست؛ یعنی خریداری از طریق یک سازوکار مکانیکی و مدیریتی صورت نمی‌گیرد. اینکه بگوییم مجلات علمی پژوهشی را داوری کردن، پس در واقع اجتماع علمی است [درست نیست]! تعیین مقبولیت و اعتبار آنجایی است که به صورت شفاف در حوزه عمومی، داوران - یعنی کسانی که دیدگاه رقیب را مطرح می‌کنند - می‌آیند و می‌گویند: «آقایان دکتر سیدجواد طباطبایی، دکتر عبدالکریم سروش یا محققان و نویسندگان فلسفه یا جامعه‌شناسی، شما این ایده را مطرح کردید، به این ایده شما این نقض‌ها و نقدها وارد است.» یک دیدگاه رقیب مطرح می‌شود. آن پشت درهای بسته در مجلات علمی و پژوهشی انجام و توسط داوران ناشناخته اعلام نمی‌شود. اجتماع علمی از طریق «گفت‌وگوی علمی» اعتبار دانش را تعیین می‌کند، نه از طریق سازوکار مدیریتی، نه از طریق فرم‌های داوری، نه فقط در ایران. در سال ۲۰۱۵؛ چون علم اقتصاد در مجموعه علوم انسانی از همه به science نزدیک‌تر است؛ ۹۳ درصد مقالات علم اقتصاد که در ایالات متحده منتشر شده بود، فاقد هرگونه کارایی و ارزش معرفتی بود؛ توسط معتبرترین ژورنال‌ها هم منتشر شده بود. در حوزه‌های دیگر هم همین‌طور است و داده‌هایش موجود است. این سازوکار، تعیین‌کننده اعتبار و روایی دانش نیست.

**آیت‌اللهی:** ما از کجا بفهمیم این حرف علمی است یا ایده جدیدی است؟ آقای سروش کتاب‌هایشان زیاد است خیلی هم مورد بحث قرار گرفته است ولی در هر کدام از مطالب ایشان که نگاه کنید، ایشان استدلالی نداشته است. یک ادیب است که یک سری مسائل را با ادبیات گفته است. ایده‌هایی را مطرح کرده است ولی ایده‌هایش هیچ‌کدام ارزش اینکه شما بخواهید به آن ارجاع بدهید، ندارد. در یک مقاله‌ای مغالطه‌های [بحث سروش از تجربه دینی و وحی] را مشخص کرده‌ام. شما می‌گویید فرم تعیین نمی‌کند [بلکه] استدلال تعیین می‌کند، از کجا بفهمیم این مطلب استدلال

است؟ [در باب فرمایش شما راجع به] اجماع علمی، من می‌گویم هر مساله‌ای را که می‌گویید یک‌جوری مشخص کنید من به‌طور عملی بتوانم [آن را در کار بیاورم].  
**فاضلی:** همان‌طور که اشاره کردم داوری‌هایی که در ژورنال‌ها انجام می‌شود به‌ویژه در ایران و بیرون ایران فرق نمی‌کند، مبنا و معیار «علمی‌بودن یا نبودن مقالات» نیست.

**آیت‌اللهی:** من این را قبول ندارم، این ادعای شماست!

**فاضلی:** خیر، این عین واقعیت است و برای شما به‌لحاظ نظری استدلال می‌کنم و هم به‌لحاظ تجربی [مصادیقی می‌آورم].

همچنین بگویید گواه بر چیست؟

**فاضلی:** چون آقای دکتر فیلسوف هستند من اول بگویم دونالد گیلیس کتاب «پژوهش چگونه باید سامان یابد؟» را منتشر کرده (چون فیلسوف علم است از ایشان مثال می‌زنم) و توضیح می‌دهد مدیریت‌گرایی در بزرگ‌ترین دانشگاه‌های دنیا مثل کمبریج، دارد فلسفه را عقیم می‌کند. مثالش «ویتگنشتاین» است. ویتگنشتاین هیچ مقاله علمی پژوهشی ننوشت، «راسل» هم هیچ مقاله علمی پژوهشی ننوشت. در نیمه اول قرن بیستم سازمان علم به معنای مدیریت‌گرایی اصلا وجود نداشت. اتفاقا دونالد گیلیس بحث می‌کند از آن زمان که این سازمان علم به این شکل ایجاد شد، دانشگاه‌های بزرگ مثل هاروارد، کمبریج، برکلی و... با افت شدید در خلاقیت روبه‌رو شدند. نکته دوم یعنی می‌خواهم به تاریخ علم برگردیم، اینکه حتی یک نمونه از دانشگاه‌ها و علم نمی‌توانید بیاورید که معیار دانش را داوری داوران یک مقاله در یک مجله کرده باشند؛ یعنی حتی یک مورد به‌لحاظ تجربی وجود ندارد که بگویید این مقاله به‌دلیل اینکه داوران فلان مجله انتخابش کرده‌اند اعتبار پیدا کرده است، عکسش هست.

**آیت‌اللهی:** ولی من بالعکس می‌گویم حتی در هیچ کشور دنیا نیست که این‌چنین چیزی نباشد.

**فاضلی:** خیر چنین چیزی نیست، الان می‌گویم.

آیت‌اللهی: ادعاست.

**فاضلی:** حتی یک مورد هم نیست. آلن سوکال برای آنکه این داستان مجلات علمی را رسوا کند (البته او غرضش این بود که نقدهای پست‌مدرن را به چالش بکشد)، به مهم‌ترین مجله علوم اجتماعی Social texts مقاله‌ای فرستاد که پر از چرندیات بود. این مقاله در معتبرترین مجله ایندکس شده علوم اجتماعی چاپ شد.

قرار بود اعلام کنید که اگر گواه بر اعتبار نیست، گواه بر چه چیزی است؟

**آیت‌اللهی:** من موافقم با اینکه مجلات علمی و پژوهشی خیلی‌هایشان دچار مشکل هستند.

**فاضلی:** خیر، من می‌خواهم بگویم به لحاظ تئوریک کل قضیه زیر سوال است.

**آیت‌اللهی:** من این را قبول دارم که خیلی از مجلات علمی پژوهشی از این طریقی که کار می‌کنند دچار خیلی درگیری‌ها هستند. پارتنری بازی و انواع کارهای مختلف می‌کنند و این اقتضای ذاتی فرمالیزم است. ولی صحبت من بر سر این است که تمام اشکالات مجلات علمی پژوهشی قبول؛ ولی یک چیزی جای [گزین] این [سازوکار] بگویید.

**فاضلی:** چون شما اول دست روی این [مطلب] گذاشتید که اینها [یعنی این سازوکار مجلات] روایی و اعتبار علم را تعیین می‌کنند؛ که گفتم چنین چیزی نیست. همین قدر که [می‌پذیرید] این حرف، حرف نادرستی است، خوب است.

انتشار مقاله‌ای در یک ژورنال معتبر جهانی دال بر علمیت آن مقاله هست یا خیر؟

**آیت‌اللهی:** نسبت به سایر ملاک‌ها بله. نسبت به آنارشیسم بله. در آنارشیسم وقتی می‌گویند این مطلب، مطلب علمی است - مثلاً گتیه یک مقاله دارد ۲، ۳ صفحه که تمام فلسفه تحلیلی را به هم ریخته است. این دال بر ارزش علمی مقاله نیست. ارزش علمی آن ارزش مبادله‌ای آن است. به خاطر همین در مجلات علمی پژوهشی یک ضربی به نام IF تعیین می‌کنند، یعنی ببینند این چقدر در تداول، قرار گرفته است.

ملاکی بدهید که بتوانیم در جامعه ارائه‌اش بدهیم. در ایران کاری به نام کرسی‌های نظریه‌پردازی راه افتاد. فرمی راه انداختند به نام کرسی نظریه‌پردازی که یک نفر آدم می‌آید نظریه خودش را می‌گوید بعد یکی داوری، یکی نقد و نمی‌دانم چه کار می‌کنند بعد آن را محک می‌زنند که بله این نظریه جدیدی بوده است. خب بعد چه کار کنیم؟ هیچ‌چیز. نظریه جدید را روی طاقچه می‌گذارند! ولی کسی به آنها ارجاع نمی‌دهد! یعنی آن چیزی که مهم است اینکه الان این کتابی که نوشتم نظریه‌ای که الان وارد کردم در دانشگاه‌ها مورد بحث قرار بگیرد، برخی اوقات به آن فحش دهند... باید شما مکانیسم‌های طبیعی را که می‌تواند نشان دهد که یک ایده به صورت طبیعی در جامعه مورد توجه قرار گرفته است، ایده نوبی بوده است، استدلال جدید و موضوع بهتری بوده است؛ این را باید مشخص کنید. معتقدم اغلب افرادی که این مساله را مطرح می‌کنند هیچ چنین ایده‌ای نمی‌دهند. [می‌گویند] باید ببینیم چه به درد مملکت می‌خورد؛ باید ببینیم این کار چقدر باعث پیشرفت کشور می‌شود. لغت‌های «به درد مملکت»، «پیشرفت کشور»، «چقدر حرف‌های نو هست»، اینها حرف‌هایی است که نمی‌توانم [برایش] ملاکی داشته باشم که [ببینم] آیا درست می‌گویند یا نادرست. فاضلی: در یک قسمت با آقای دکتر آیت‌اللهی هم سخن هستم اینکه اگر من بیایم به مجلات علمی پژوهشی نقد کنم این به معنای موجه کردن، کسانی که کار نمی‌کنند یا خلاقیت ندارند اینها نیست، یا اثری را منتشر نمی‌کنند.

**فاضلی:** نقدی که الان دارد صورت می‌گیرد به معنای دفاع کردن از موضع افراد غیرخلاق و ناکارآمد در نظام آموزش عالی کشور نیست. اتفاقاً برعکس بحث من بر سر دفاع از کسانی است که کار خلاقه می‌کنند و این کار خلاقه لزوماً در فرمالیزم مجلات علمی پژوهشی نمی‌گنجد. استدلال هم این است که تاریخ علم این است. منتهی آقای دکتر از فلسفه بیرون آمده‌اند و از منظر مدیریتی سازمان علم را بررسی می‌کنند و می‌پرسند اگر ما این مجلات علمی و پژوهشی را کنار بگذاریم، چطور می‌توانیم جلوی آنارشیسم را بگیریم؟ چند پاسخ دارد: اول اینکه نمی‌گویم مجلات علمی پژوهشی را کنار بگذاریم [بلکه می‌گویم] زیاده‌روی در امر موجه نکنیم. مجله [اعم] از مجله علمی پژوهشی؛ قالب علم و دانشگاهی برای گفت‌وگو و... می‌تواند باشد و خواهد بود. مقاله چیزی است که در درون تاریخ علم شکل گرفته، مجله هم همین‌طور. چه وزارت علوم، سازمان‌دهی کند، چه نکند جزء ساختار مولفه‌های وجودی ساختار علم است، منتهی زیاده‌روی کردن در این امر بحران ایجاد کرده است. اینکه بگوییم اصالت علم به این است که داوران

مجله علمی پژوهشی [آن را] تایید کنند، این زیاده‌روی است. اینکه بگوییم برای نظام آموزش عالی، مقاله علوم طبیعی فرم را تعیین می‌کند، این زیاده‌روی است. از اساس فرم مقاله‌نویسی را برای علوم انسانی برمی‌تابید؟

**فاضلی:** اولاً مقاله‌نویسی که یک فرم ندارد؛ ده‌ها جور فرم دارد. اتفاقاً یکی از مشکلات مان همین است که فکر کرده‌ایم مقاله علمی پژوهشی یک فرم دارد. ریتزر در یکجا این را بحث می‌کند. در کتابم «فرهنگ و دانشگاه» ارجاعاتش را آوردم که می‌گوید برخی از ژورنال‌های آمریکایی دهه ۴۰، یک فرم مقاله‌نویسی به نام فرم پژوهشی شکل دادند، اما این فرم مثل مک‌دونالد به سرعت در جهان تکثیر و [تبدیل] یک استبداد آکادمیک شد. درحالی که در خود آمریکا این‌طور نیست.

**آیت‌اللهی** در ایران هم نیست.

**فاضلی:** خیر در ایران هست.

**آیت‌اللهی:** در شورای نشریات علمی مسئول مجلات علوم انسانی بودم. آن موقع اصرار داشتیم که قالب‌های متعدد بگذاریم.

**فاضلی:** واقعیت را بحث کنیم! راهنمایی که اول مجلات گذاشتند را نگاه کنید؛ تمام مجلات علمی پژوهشی در ۹۵ درصد آیت‌م‌هایشان یکسان هستند. من برای شما به سادگی می‌گویم، من که ۳۰ سال است می‌نویسم برای مجله مقاله می‌فرستم و به همین دلیل که عناصر فرمی که او می‌گوید را رعایت نکرده‌ام مقاله را رد می‌کند. مقاله اتنوگرافیک در ژورنال‌های ما پذیرفته نمی‌شود. مقاله‌های اتواتنوگرافیک پذیرفته نمی‌شود. فرم‌های گوناگون دانش که به روش‌های مختلف است [پذیرفته نمی‌شود] مگر اینکه از قواعد اتنوگرافی خودتان عدول کنید [و مقاله را] به این شکلی در بیاورید که مجلات ما می‌خواهند. می‌خواهم بگویم در عمل وقتی به راهنمای تنظیم مقالات نگاه می‌کنیم متوجه می‌شویم یک خط تولید مقاله داریم درست می‌کنیم درحالی که دانش نباید مثل کارخانه باشد؛ باید آفریده شود و هر کدام منحصر به فرد باشد؛ اثر اصیل [چنین] است!

دو موضع وجود دارد. اینکه آیا اعتبار علم از اساس تعیینی است یا تعینی است؟ یک وقت این است که یک سازوکاری معیارهایی را تعیین می‌کنیم که اعتبار را بسنجد یک وقت اعتبار اصلا متعین می‌شود. شما جانب کدام ایده را می‌گیرید؟

**فاضلی:** علم یک حیات طبیعی دارد. یک حیات مکانیکی ندارد.

**آیت‌اللهی:** احسنت کاملا درست است.

**فاضلی:** که یک عده به اسم رئیس، وزیر، وکیل اینجا بنشینند بگویند اگر آقای فاضلی یا آقای دکتر آیت‌اللهی این کار را کرد دانشمند یا فیلسوف می‌شود اگر این کار [دیگر] را کرد، نمی‌شود. تاریخ علم این نیست، بعد از این هم این نخواهد بود. اتفاقا تاریخ علم بر مبنای انقلاب مدام است؛ یعنی همین قالب‌ها را شکاندن علم است. علم بهنجار تولید کردند یعنی بازتولید همان علمی که هست. مجلات علمی پژوهشی اجازه نمی‌دهند انقلاب علمی صورت بگیرد.

یعنی پاسبانان گفتمان موجود هستند.

**فاضلی:** بله.

**آیت‌اللهی:** من این را نمی‌پذیرم.

**فاضلی:** توضیح می‌دهم.

**آیت‌اللهی:** من ۲۱ مجله علمی پژوهشی راه انداختم و یک مجله هم الان خودم سردبیرش هستم.

**فاضلی:** من هم مدیرمسئول یکی از مجله‌هایی هستم که شما راه‌اندازی کردید، همه ما در این سیستم هستیم.

شما هر سازوکار تعیینی را تبدیل به حیات مکانیکی می‌بینید؟

**فاضلی:** بله. نقطه اساسی مناقشه همین است.

**فاضلی:** علم دچار بحران دستکاری‌های مکانیکی شده است. این داستان بروکراتیک شدن علم است که دارد علم را در ایران ناکارآمد می‌کند؛ یعنی نظام بروکراسی علم و سازمان علم می‌خواهد خودش را سیطره‌اش را به‌عنوان نیروی تعیین‌کننده در فرآیند اندیشیدن تحمیل کند. لزوماً دارد این کار را می‌کند. قطعاً به‌طور کامل دارد این کار را می‌کند.

**آیت‌اللهی:** من می‌گویم قطعاً نمی‌کند.

**فاضلی:** مگر کسانی که می‌خواهند از این مواهب محروم شوند و از سازمان علم به حاشیه رانده شوند. کسانی داریم که در رزومه‌شان هفتصاف مقاله دارند. برای اجتماع علمی مثل روز روشن است که این بنده خدا سواد پایه هم ندارد. نکته اول اینکه من نگفتم مجله علمی پژوهشی را کنار بگذاریم، گفتم زیاده‌روی در امر موجه نکنیم. نکته دوم اینکه براساس منطق اجتماع علمی (که ابتدای صحبت آقای دکتر بود) علم را بفهمیم. چند محور دارد. اگر وزارت علوم می‌خواهد علم به معنای خلاقش توسعه پیدا کند، آزادی علمی را گسترش بدهد و تضمین کند. تضمین به این معنا که احساس کنم، هرگونه در حوزه علوم انسانی اجتماعی اندیشیدم مجازات نمی‌شوم نسبت به دیگری فرودست نمی‌شوم شغلم را از دست نمی‌دهم.

**آیت‌اللهی:** این ربطی به ملاک ندارد.

**فاضلی:** چرا ملاک است. شما می‌گویید سازمان را پیشنهاد بدهید، من دارم پیشنهاد می‌دهم. اول آزادی علمی را بیشتر کنیم. دوم استقلال علم و آکادمیک را بیشتر کنیم.

**آیت‌اللهی:** چطور؟

**فاضلی:** سازمان علم توسط سرمایه‌های معرفتی رقابتی شود نه براساس سرمایه‌های ایدئولوژیک. یعنی من و شما یا هر کس دیگری براساس زحمتی که می‌کشیم

جایگاه‌مان در دانشگاه تعیین شود نه براساس اینکه چقدر به فلان ایدئولوژی وابسته هستید.

**آیت‌اللهی:** درست است و [اکنون نیز] همین‌طور است.

**فاضلی:** این‌طور نیست.

**آیت‌اللهی:** من می‌گویم هست.

**فاضلی:** عیب ندارد بحث کنید

**آیت‌اللهی:** راه‌حل را بگویید.

فرمایش آخر شما با ارزش مبادله‌ای آقای دکتر [آیت‌اللهی] متفاوت است؟

**فاضلی:** خیر. اتفاقاً ایشان می‌گویند مبادله صورت بگیرد. می‌گویم فضای مبادله را آزاد و رقابتی کنید به این فضای مبادله استقلال دهید. احساس امنیت علمی و شغلی و استقلال شغلی ایجاد شود در آن صورت ما می‌بینیم لازم نیست به‌طور مکانیکی فرمالیزم بیاید [اعتبار علم را] تعیین کند، آن موقع در رقابت علمی است که ادعاها، تیم‌ها و گفتمان‌های رقیب شکل می‌گیرد منازعات به‌وجود می‌آید و حرمت پیدا می‌کنند؛ یعنی در دانشگاه فاجعه است که رئیس دانشگاه حرمتش بیشتر از استاد دانشگاه باشد. خصوصاً وقتی پست‌های دانشگاهی بخواهد با روابط سیاسی و زد و بندهای صنفی و... تعیین شود.

**آیت‌اللهی:** شما می‌گویید ۹۳ درصد مقالات اقتصاد فاقد ارزش آکادمیک است یا ۹۸ درصد مقالات تولیدی، علمی نیست. پس شما دارید از یک فرمالیزم صحبت می‌کنید. این همان «زیاده‌روی در امر موجه» است. بعضی مجلات علمی پژوهشی مشکلاتی دارند ولی هنوز راه‌حلی بهتر از این نیست. باز هم راه‌حل‌های کلی. آقای جوادی‌آملی اصلاً احتیاج به مقاله ندارد اما افراد ایشان را در مقالات مورد بحث قرار می‌دهند. بهترین ساختارشکنی فضای طلبگی قدیم است که اصلاً نه کسی مدرکی می‌داد نه

امتحانی در کار بود بلکه می‌گفتند فلان آقا اعلم است. جامعه علمی علم یک مرجع را تایید می‌کرد. این منطقی و طبیعی است. ما یا باید تن به فرمالیزم تکنولوژی آموزشی دانشگاه بدهیم یا باید از این فرمالیزم دربیاییم. مادامی که در چارچوب دانشگاهی قرار داریم، باید این را بپذیریم. شما می‌خواهید [آزاد] حرفی بزنید؟ خارج از دانشگاه بزنید ولی نظام دانشگاه مستلزم این فرم است. آقای دکتر داوری یک اندیشمند است اما شاید حتی یک مقاله علمی پژوهشی نداشته باشد. ولی حرفش را می‌زند. من هنوز ملاکی برای تشخیص عالم بودن یا نبودن در نظام دانشگاهی [جایگزین این فرم موجود] پیدا نکرده‌ام.